

عدالت شغلی در سایه کار ناپایدار

جوانان و نسل‌های جدید بیش از سایرین در معرض اشتغال ناپایدار، بیکاری بلندمدت و محدودیت دسترسی به حقوق اجتماعی و شغلی قرار دارند و این وضعیت عدالت میان نسلی را تهدید می‌کند

یافته است. افزایش جمعیت فعال از ۱۶ میلیون نفر در سال ۱۳۷۵ به ۲۶ میلیون نفر در سال ۱۳۹۵، در کنار عرضه محدود مشاغل ثابت، رقابت برای فرصت‌های شغلی پایدار را تشدید کرده است. رشد بی‌رویه دانش‌آموختگان دانشگاهی بدون تناسب با نیازهای بازار کار، منجر به عدم تطابق شغلی و کاهش ارزش مدارک تحصیلی شده و بخشی از جوانان تحصیلکرده ناچار به پذیرش مشاغل کم‌درآمد یا غیرمرتبط شده‌اند. اشتغال ناقص، سهم بالایی مشاغل غیررسمی و قراردادهای موقت که بیش از ۸۰ درصد نیروی کار را شامل می‌شوند، امنیت شغلی را کاهش داده و عدالت توزیعی را تضعیف کرده است. افزایش میانگین سنی شاغلان و طولانی شدن ماندگاری نسل‌های قدیمی‌تر در بازار کار، بدون استراتژی انتقال نسلی، ورود جوانان به مشاغل پایدار را محدود ساخته است. این نابرابری‌ها، همراه با تمرکز نامتناسب فرصت‌ها در پایتخت و نابرابری منطقه‌ای در دسترسی به کار، ساختاری ناپایدار و فاقد تعادل در بازار کار ایران ایجاد کرده‌اند.

چالش‌های مشاغل نوظهور

گسترش پلتفرم‌های دیجیتال و مشاغل نوظهور، ظهور طبقه پریکار با قراردادهای فاقد حمایت اجتماعی را تسریع کرده است. کاهش بیمه‌پردازی نسل جدید، پایداری صندوق‌های بازنشستگی را با بحران مواجه کرده و شکاف‌های ساختاری را عمیق‌تر ساخته است. تمرکز آموزش عالی بدون اتصال به نیازهای واقعی بازار کار، کاهش ارزش مدارک تحصیلی و افزایش بیکاری پنهان را به همراه داشته است. در رشته‌های علوم انسانی و فنی، جوانان تحصیل کرده به مشاغل کم‌درآمد یا نامرتبط تن داده‌اند که نتیجه‌ان، نارضایتی شغلی و کاهش تحرک اجتماعی است. این وضعیت نشان می‌دهد تحقق عدالت شغلی در ایران نیازمند بازنگری جامع در سیاست‌های اشتغال، مدیریت انتقال نسلی، تعادل منطقه‌ای فرصت‌ها و حمایت مستمر از مشاغل نوظهور و رسمی است تا پایداری، امنیت و کار شایسته برای همه گروه‌ها تضمین شود.

راهکارهای سیاسی

برای کاهش جمعیت پریکاربا و تحقق کار شایسته، گزارش وزارت تعاون مجموعه‌ای جامع از راهکارهای سیاستی را پیشنهاد می‌کند. اصلاح قانون کار با تمرکز بر تحولات فناوری و بازار دیجیتال، ایجاد مشاغل پایدار و رسمی به‌ویژه در بخش‌های فناوری اطلاعات، آموزش و سلامت، و تقویت قراردادهای بلندمدت، محورهای کلیدی این راهکارها هستند. آموزش و بازآموزی مهارت‌ها برای تطبیق نیروی کار با نیازهای واقعی بازار، حمایت از گروه‌های محروم از طریق بیمه و وام‌های کم‌بهره، و توسعه منطقه‌ای با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های مناطق کمتر برخوردار، از دیگر پیشنهادها می‌هم به شمار می‌آید. گزارش همچنین بر کاهش موانع فرهنگی و قانونی مشارکت زنان، تقویت همکاری بین نسلی در محیط کار و ایجاد و حمایت از اتحادیه‌های کارگری مستقل تأکید دارد. این سیاست‌ها نه تنها ناظر به بهبود شرایط اقتصادی است، بلکه وجه اجتماعی و حکمرانی بحران پریکار یا ریزش هدف قرار می‌دهد. پریکار یا فراتر از یک معضل اقتصادی، تهدیدی برای انسجام و ثبات جامعه محسوب می‌شود و مدیریت آن نیازمند راهبردی فراگیر و بین‌نسلی است. تحقق عدالت شغلی در ایران مستلزم استقرار نظامی مبتنی بر کار شایسته، کاهش بی‌ثباتی شغلی، و بازآرایی سیاست‌های اشتغال با رویکردی جامع و بین‌نسلی است.



حمیدرضا بیانی نیا کاشانی
روزنامه نگار

• عکس: علی احمدوند - تا

کرده است. این وضعیت نشان می‌دهد بدون بازنگری در سیاست‌های اشتغال، تمرکز بر کار شایسته و تقویت حمایت‌های بین‌نسلی، تحقق عدالت شغلی در ایران همچنان در هاله‌ای از نامساوات باقی خواهد ماند.

فقدان امنیت شغلی پایدار

بازار کار ایران با گره‌های پنهان نسلی مواجه است؛ جایی که جوانان بیش از سایر گروه‌ها در معرض بیکاری، اشتغال ناپایدار و خروج از چرخه آموزش و کار قرار دارند و کارگران مسن‌تر با چالش‌های عدم تطابق مهارت‌ها با تغییرات فناوریانه و بازنشستگی زودهنگام دست‌وپنجه نرم می‌کنند. این فاصله نسلی در دسترسی به کار شایسته، به مانعی ساختاری برای تحقق عدالت شغلی تبدیل شده و نمایانگر نابرابری‌های بین نسلی است. پدیده جوانان نیت (NEET) که «نه درس می‌خواند، نه شاغل است و نه مهارتی می‌آموزد» نمونه‌ای بارز از وضعیت بخش قابل توجهی از جوانان خارج از چرخه رسمی آموزش و اشتغال است. بر اساس داده‌های سال ۱۳۹۸، از حدود ۲۴ میلیون شاغل کشور، نزدیک به ۱۴ میلیون و ۳۷۰ هزار نفر در اشتغال غیررسمی فعالیت دارند و حدود ۹ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر در مشاغل رسمی مشغولند. با احتساب بیکاران و شاغلان ناقص، جمعیتی بالغ بر ۱۸ میلیون نفر در معرض نوعی بی‌ثباتی شغلی قرار دارند؛ رقمی که احتمالاً در سال‌های اخیر افزایش یافته است. این وضعیت نشان می‌دهد اشتغال بین نسلی تنها به نرخ بیکاری محدود نمی‌شود بلکه تفاوت در نرخ مشارکت اقتصادی، سهم اشتغال رسمی و غیررسمی و کیفیت شغل میان نسل‌ها را نیز شامل می‌شود.

شکاف سنی در امنیت شغلی و دسترسی به حمایت‌های اجتماعی یکی از ابعاد مهم نابرابری در بازار کار ایران است و ضرورت بازنگری در سیاست‌های اشتغال، تمرکز بر کار شایسته و کاهش بی‌ثباتی شغلی را دوچندان کرده است. بدون توجه به این چالش‌ها، تحقق عدالت شغلی همچنان در هاله‌ای از نابرابری و آسیب اجتماعی باقی خواهد ماند.

بازار کار ایران در دهه‌های اخیر، عرصه‌ای پیچیده و پرچالش شده است؛ تحولات اقتصادی، اجتماعی و فناوریانه، ساختار اشتغال را دگرگون کرده و عدالت شغلی را با مخاطره مواجه ساخته است. گزارش «عدالت شغلی بدون کار شایسته؟ گره پنهان شکاف‌های نسلی در بازار کار ایران» منتشرشده توسط وزارت تعاون، کار راه اجتماعی، نشان می‌دهد شکاف‌های نسلی در دسترسی به فرصت‌های شغلی پایدار و شرایط کار شایسته عمیق و گسترده‌اند. بدون بازتعریف سیاست‌های اشتغال، تقویت حمایت‌های قانونی و اجتماعی و بازنگری در معیارهای کار شایسته، تحقق عدالت شغلی در کشور ناممکن خواهد بود.

شکاف نسلی و اشتغال

بازار کار ایران در دهه‌های اخیر با تحولات عمیق اقتصادی، اجتماعی و فناوریانه روبه‌رو شده؛ تغییراتی که هم ساختار اشتغال و هم روابط بین نسلی در محیط کار را به چالش کشیده‌اند. بر اساس چارچوب سازمان بین‌المللی کار، کار شایسته بر چهار مؤلفه بنیادین استوار است: آزادی انتخاب شغل، برخورداری از حقوق منصفانه، بهره‌مندی از حمایت اجتماعی و امکان گفت‌وگوی جمعی. این مؤلفه‌ها نه تنها کیفیت اشتغال را می‌سنجند بلکه شاخصی برای عدالت شغلی میان نسل‌های مختلف فراهم می‌کنند.

عدالت شغلی در سطح سازمانی و کلان به معنای توزیع منصفانه فرصت‌ها، امنیت شغلی و مزایای اجتماعی است. با این حال، بازار کار ایران با موانع ساختاری گسترده‌ای روبه‌روست تبعیض‌های جنسیتی، قومی و سنی، وابستگی شغل به پیشینه خانوادگی و ضعف سیاست‌های حمایتی موجب شده دسترسی برابر به مشاغل با کیفیت برای همه نسل‌ها تحقق نیابد. داده‌ها حاکی از سهم ۵۹.۲ درصدی اشتغال غیررسمی در سال ۱۳۹۸ و نرخ بیکاری ۳۴ درصدی جوانان ۱۵ تا ۲۴ سال در زمستان ۱۴۰۳ است، به‌ویژه زنان بیشترین آسیب را متحمل شده‌اند. تحولات فناوریانه و تغییر الگوهای تولید، با ورود نسل‌های جدید به بازار کار، نابرابری در امنیت و کیفیت اشتغال را تشدید

۶۶

شکاف میان

گروه‌های

سنی در

دسترسی

به مشاغل

رسمی و پایدار

نشان می‌دهد

نابرابری‌ها

ریشه‌ای و

تأثیرگذار

بر عدالت

شغلی و

کیفیت زندگی

کارگران جوان

و مسن است

چشم‌انداز بازار مسکن در ماه‌های آتی

رشد قیمت آپارتمان در تهران پس از دو سال رکود نسبی، فشار تورم و افزایش هزینه‌های ساخت را نشان می‌دهد و تعادل بازار هنوز کامل نیست

به تعادل برسد، اما هیچ سالی این هدف محقق نشد و ساخت‌وساز عمدتاً بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار واحد در سال بود. هم‌اکنون کشور با کمبود حدود ۶ میلیون واحد مسکونی مواجه است؛ شکافی که فشار مستمر بر قیمت‌ها ایجاد می‌کند. بررسی تحولات قیمتی نشان می‌دهد از ابتدای سال ۱۴۰۳ تا بهمن ۱۴۰۴، قیمت دلار ۱۶۲ درصد و طلا ۴۹۲ درصد افزایش یافته، در حالی که مسکن در تهران تنها ۵۳ درصد رشد داشته است. با این حال طی سه ماه اخیر، قیمت‌های پیشنهادی آپارتمان در تهران بین ۳۰ تا ۵۰ درصد افزایش یافته و در مناطق پر معامله و واحدهای نوساز، رشد بیشتری نیز ثبت شده است. میانگین قیمت هر مترمربع آپارتمان در تهران از ۸۱.۶ میلیون تومان فروردین سال گذشته، اکنون به حدود ۱۲۵ میلیون تومان رسیده است؛ رشدی که بازدهی بازار مسکن را همچنان پایین‌تر از ارز و طلا نشان می‌دهد.

است. افزایش قیمت نهاده‌های ساختمانی و دستمزدها، سازندگان را ناچار می‌کند حاشیه سود متعارفی در نظر بگیرند، وگرنه تولید مسکن متوقف شده و کمبود عرضه تورم این بخش را تشدید خواهد کرد. از سوی دیگر، قدرت خرید مصرف‌کنندگان محدود است و همین عامل رکود تورمی را محتمل می‌سازد. عضو هیأت مدیره انجمن انبوه‌سازان درباره خانه‌های خالی نیز توضیح می‌دهد که این واحدها عمدتاً لوکس و نیمه‌لوکس هستند و در مناطق پرخوردار متمرکز شده‌اند، بنابراین در دسترس متقاضیان واقعی مصرفی قرار ندارند. برای ایجاد تعادل، هر کشور به حدود ۱۰ درصد مسکن مازاد نیاز دارد، اما در ایران تنها ۵ تا ۱۰ درصد مازاد وجود دارد که در دسترس تقاضای مصرفی نیست. محتشم به برنامه‌های گذشته نیز اشاره می‌کند؛ وزارت راه و شهرسازی اوایل دهه ۱۳۹۰ هدف گذاری کرده بود که سالانه یک میلیون واحد مسکونی ساخته شود تا بازار تا ۱۴۰۴

بازار مسکن پس از دو سال رکود نسبی، در مسیر افزایش قیمت قرار گرفته؛ روندی که همزمان با تورم عمومی نزدیک به ۶۰ درصد رخ می‌دهد و نشان می‌دهد بخش مسکن از رشد بازارهای موازی عقب مانده است. کارشناسان معتقدند اکنون بخشی از این عقب‌ماندگی در حال جبران است، اما سناریوی محتمل برای ماه‌های آتی، تداوم رکود تورمی خواهد بود. حسن محتشم، عضو هیأت مدیره انجمن انبوه‌سازان استان تهران، وضعیت فعلی را چنین توصیف می‌کند: «قیمت مسکن نسبت به تورم عمومی و رشد بازارهای ارز و طلا فقیر است و فاصله به‌تدریج در حال جبران است.» به گفته او، نزدیک شدن به ماه‌های پایانی سال، معمولاً حجم معاملات را افزایش می‌دهد، زیرا خریداران تلاش می‌کنند پیش از آغاز سال جدید و تورم احتمالی، سرمایه خود را به ملک تبدیل کنند. محتشم تأکید می‌کند تورم، کل اقتصاد را دربر گرفته و این روند در بخش مسکن نیز محسوس

یادداشت

O P I N I O N



مهدی کرباسیان

عضو هیأت رئیسه اتحادیه مشاوران املاک تهران

قیمت مسکن و نوسان طلا و دلار

بازار مسکن پس از حدود دو سال رکود نسبی، در ماه‌های اخیر همزمان با نوسانات بازارهای موازی وارد مسیر افزایش قیمت شده است. از نیمه دوم سال جاری، قیمت‌های پیشنهادی فروش واحدهای مسکونی بین ۳۰ تا ۵۰ درصد رشد کرده و هیچانات ارزی بار دیگر بر این بازار سایه انداخته است. روند افزایشی قیمت در تهران از حدود سه ماه قبل آغاز شد؛ دوره‌ای که با نوسان در بازارهای طلا، ارز و خودرو همزمان شده و انتظارات تورمی در بخش مسکن تشدید شد. این تحولات ابتدا بازارهای طلا و ارز را متأثر کرد و سپس با فاصله زمانی، اثر خود را بر بازار ملک نشان داد.

از حدود سه ماه قبل، برخی فروشندگان از عرضه فایل‌های خودداری کرده و آن دسته از مالکان که همچنان در بازار حضور دارند، تحت تأثیر فضای روانی موجود، به طور مستمر قیمت‌های پیشنهادی خود را افزایش داده‌اند. با این حال، افزایش نرخ‌ها عمدتاً در سطح فایل‌های عرضه‌شده قابل مشاهده و حجم معاملات نیز همچنان پایین باقی مانده است. خاصیت چسبندگی قیمت مسکن باعث می‌شود واکنش این بازار نسبت به تحولات بازارهای موازی با تأخیر صورت گیرد؛ بنابراین افزایش قیمت ارز و طلا با فاصله‌ای زمانی به بازار مسکن منتقل می‌شود و کاهش قیمت در بازارهای موازی نیز به سادگی اثرگذار نیست. نتیجه این وضعیت، افزایش اسمی قیمت‌ها همراه با کاهش معاملات و تشدید رکود تورمی است.

بررسی فایل‌های عرضه‌شده در تهران نشان می‌دهد طی سه ماه گذشته قیمت‌های پیشنهادی به‌طور محسوسی تغییر کرده است. نرخ‌ها در این مدت بین ۳۰ تا ۵۰ درصد افزایش یافته‌اند و مناطق مختلف با شدت متفاوت تحت تأثیر قرار گرفته‌اند. در مناطق یک تا شش تهران و همچنین در مناطق پر معامله‌ای مانند ۱۴ و ۱۵، افزایش قیمت محسوس‌تر بوده است. در برخی نقاط جنوب شهر، قیمت واحدهای نوساز که پیش‌تر حدود ۸۰ میلیون تومان بود، اکنون به بیش از ۱۲۰ میلیون تومان رسیده است.

همزمان با این تحولات، قیمت نهاده‌های ساختمانی نیز بین ۳۰ تا ۴۰ درصد افزایش یافته است. هرچند مصالح ساختمانی یکی از عوامل اثرگذار بر قیمت مسکن به‌شمار می‌رود، اما نرخ ارز، طلا و خودرو نیز در مقاطع مختلف، رشد قیمت ملک را تحت تأثیر قرار داده‌اند و در برخی دوره‌ها افزایش قیمت به بیش از ۱۰۰ درصد نیز رسیده است. در بخش اجاره نیز تجربه سه سال‌های اخیر نشان می‌دهد سیاست‌های تعیین سقف دستوری کارآآمد نبوده است. دولت طی چهار سال گذشته نرخ مجاز رشد اجاره‌بها در تهران را ۲۵ درصد اعلام کرده، اما اجاره‌بها به‌طور میانگین حدود ۵۰ درصد افزایش یافته و موجران عملاً از این نرخ‌های دستوری تبعیت نکرده‌اند. عامل اصلی رشد قیمت مسکن را باید در تورم عمومی، افزایش نرخ ارز و رشد هزینه نهاده‌های ساختمانی جست‌وجو کرد.